

## تأثیر مؤلفه‌های فرهنگی بر سرزندگی فضاهای شهری

تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۰۲/۱۵ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۹۹/۰۳/۲۵

مریم خستو\* (استادیار گروه شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران)

### چکیده

سرزندگی فضاهای شهری به عنوان موضوعی مهم و حیاتی تحت تأثیر عوامل متعدد خرد و کلان قرار دارد. عنصر «فرهنگ» به عنوان یک مفهوم کلان و تعیین کننده در جوامع انسانی، می‌تواند بر میزان و چگونگی حضور افراد در فضاهای عمومی شهری تأثیر بگذارد. هدف این پژوهش یافتن ابعاد و میزان تأثیرگذاری مؤلفه‌های فرهنگی بر میزان سرزندگی فضاهای شهری است. بر اساس مدل مفهومی پژوهش، مؤلفه‌های فرهنگی عبارتند از: زبان، ارزش‌ها، هنجارها، باورها، فعالیت‌های ثابت و خروجی‌های مادی و غیره. پژوهش حاضر به روش میدانی و پیمایشی انجام شده است؛ بدین ترتیب که سه فضای شهری شاخص در یک محدوده از شهر قزوین انتخاب شد و میزان سرزندگی آن‌ها مورد سنجش قرار گرفت سپس مؤلفه‌های فرهنگی به واسطه پرسشنامه سنجیده و ارتباط آن‌ها با سرزندگی تحلیل گردید. یافته‌های تحقیق حاکی از این است که سه فضای شهری منتخب از لحاظ شاخص سرزندگی با هم متفاوت هستند و با تحلیل آزمون‌های آماری مربوطه، این نتیجه حاصل شد که بین مؤلفه‌های فرهنگی و سرزندگی فضاهای شهری ارتباط معنی‌دار وجود دارد؛ مهم‌ترین عامل فرهنگ مادی «تعامل اجتماعی» و کم‌اهمیت‌ترین «طراحی فضا» بوده است و از بین عوامل غیرمادی «مذهب و اعتقادات» مهم‌ترین و «هم‌زبانی» کم‌اهمیت‌ترین عامل تأثیرگذار بوده است.

**واژه‌های کلیدی:** فرهنگ، مؤلفه‌های فرهنگی، سرزندگی فضای شهری، قزوین.

## مقدمه

امروزه سرزندگی شهری به عنوان یک مفهوم جامع با دامنه وسیعی از مفاهیم توجهات زیادی را به خود جلب کرده است. سرزندگی شهری یک مفهوم صرفاً محیطی نیست بلکه مفهومی اجتماعی است و نتیجه رضایت افراد از فضای شهری در درازمدت است. سرزندگی با تعامل شهر و شهروندان در لایه‌های مختلف عملکردی حصول می‌شود ( Hedayat, et al. 2019) ارتباط دوسویه‌ای بین فضای شهری و جامعه وجود دارد. انواع فضاهای شهری با فعالیت‌های خاص و گروه‌های اجتماعی مختلف دارای ارتباط تنگاتنگ هستند ( Silaci & Victova, 2017). یکی از رهیافت‌های حل مشکلات فضاهای شهری در سطوح اقتصادی، اجتماعی، محیطی و فرهنگی، «سرزندگی» می‌باشد. پارادایمی که در آراء بسیاری از نظریه‌پردازان روانشناسی و مسائل شهری مورد توجه قرار گرفته است (هدایت نژاد کاشی و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۶، به نقل از Paul & Sen, 2018: 142). فضاهای عمومی عناصر حیاتی سیستم عملکرد یک شهر هستند؛ به ویژه در شهرهایی با تاریخ غنی این فضاها دربرگیرنده میراث فرهنگی ارزشمندی هستند که به وسیله ارتباطات معناها و حس‌های افراد تقویت می‌شوند (Holuj, 2018). بنابراین فضاهای شهری به عنوان مهم‌ترین عرصه‌های تعاملات اجتماعی، باید پذیرای طیف متنوعی از افراد باشند تا به سرزندگی قابل قبول برسند. از سوی دیگر عنصر «فرهنگ» به عنوان یک مفهوم قدرتمند بر این تنوع تأثیرگذار است.

در شهر قزوین تعداد فضاهای شهری پیاده‌محور به نسبت سایر شهرهای ایران قابل توجه نیست و این موضوع از سرزندگی کل شهر می‌کاهد. در این پژوهش دو پرسش اصلی مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ اول: کدامیک از فضاهای شهری مورد بررسی از سرزندگی بیشتری برخوردار است؟ و چرا؟ و دوم این که کدام مؤلفه فرهنگی بیشترین و کدام کمترین تأثیر را بر سرزندگی فضای شهری دارند؟ و فرضیه اصلی تحقیق، (بین مؤلفه‌های فرهنگی و حضور افراد در فضا و سرزندگی رابطه معنی‌دار وجود دارد) به آزمون گذاشته می‌شود.

## پیشینه

سرزندگی فضاهای شهری به عنوان یک موضوع مهم در علوم محیطی و انسانی بارها مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به این که مفهوم سرزندگی، متغیر وابسته این پژوهش است، در بخش پیشینه، به آن پرداخته می‌شود لذا برخی از شاخص‌ترین تحقیقاتی که در زمینه سرزندگی فضای شهری در داخل کشور به انجام رسیده به شرح جدول ۱ گردآوری شده است.

جدول ۱- مهم‌ترین پژوهش‌های مرتبط با موضوع سرزندگی

پژوهشگر	عنوان پژوهش	نتایج
گلکار (۱۳۷۹)	مؤلفه‌های سازنده کیفیت سرزندگی	کیفیت سرزندگی متشکل از سه مؤلفه تجربی-زیباشناختی، عملکردی و زیست‌محیطی است.
خستو و سعیدی رضوانی (۱۳۸۹)	عوامل مؤثر بر سرزندگی فضاهای شهری، خلق یک فضای شهری سرزنده با تکیه بر مفهوم مرکز خرید پیاده	سرزندگی در سطح کلان و خرد قابل بررسی است. جذابیت و رضایت، اصلی‌ترین ملزومات فضای شهری سرزنده هستند.
حبیبی (۱۳۹۲)	بررسی عوامل مؤثر بر افول حس سرزندگی و زیست‌پذیری در بافت تاریخی و فرسوده: سنگ سیاه شیراز	فرسودگی اینیه و سیمای بافت، عدم برخورداری از تاسیسات و زیرساخت و خدمات شهری و زندگی مناسب بافت موجب افول سرزندگی شده است.
بازوبندی و شهبازی (۱۳۹۳)	نقش سرزندگی در ایجاد تصویر ذهنی شهروندان و میزان بهره‌گیری از فضای شهری- سپهسالار	بین تصویر ذهنی شهروندان و سرزندگی فضای شهری رابطه معنی‌دار وجود دارد.
علیمردانی، شرقی و مهدنشین (۱۳۹۵)	بررسی نقش امنیت در سرزندگی و حیات شبانه فضاهای عمومی شهری- خیابان امام مرند	اختلاط کاربری، نفوذپذیری بصری، نورپردازی شبانه و طراحی مناسب بر امنیت و در نتیجه سرزندگی مؤثر است.
حبیبی، نسترن و محمدی (۱۳۹۵)	سنجش و ارزیابی سرزندگی فضای عمومی شهری و نقش آن در ارتقا زندگی جوانان- نظر شرقی اصفهان	تحصیلات رابطه مستقیمی با سرزندگی دارد. امتیاز سرزندگی اقتصادی بیشتر از اجتماعی و سرزندگی اجتماعی بیشتر از محیطی است.
طاهرطلوع‌دل و سادات (۱۳۹۶)	مؤلفه‌های عامل ایجاد سرزندگی ساکنین فضاهای زیستی	مؤلفه کالبدی، اجتماعی و زیست محیطی به ترتیب به عنوان مهم‌ترین عوامل ایجاد سرزندگی هستند.
مردانی (۱۳۹۷)	سرزندگی فضاهای جمعی مدیون کارکرد تجاری، مراکش و مکناس	سرزندگی فضاهای جمعی عمدتاً به علت فعالیت تجاری است نه کالبد فضا.
اخوان، صالحی و طغیانی (۱۳۹۷)	ارزیابی تأثیر عوامل محیطی کالبدی بر سرزندگی و کیفیت خیابان‌های شهری- خیابان نادر و انقلاب ساری	بین کیفیت و سرزندگی خیابان‌های مورد مطالعه و مشکلات کالبدی محیطی رابطه مستقیم و معنی‌دار وجود دارد.
فارسی، ناسخیان و شاهپوندی (۱۳۹۸)	ارزیابی پس از بهره‌برداری یک پاتوق شهری جهت بررسی اثرات آن بر ارتقای سرزندگی	ایجاد پاتوق‌های شهری سبب اعتلای سرزندگی می‌گردند.
هدایت‌نژاد و همکاران (۱۳۹۸)	سرزندگی شهری مفهومی میان رشته‌ای (واکاوی اصول، ابعاد و شاخص‌ها)	سرزندگی شهری کیفیتی مبتنی بر محیط نبوده و به عنوان رخدادی اجتماعی فضایی، نتیجه یک روند درازمدت رضایت‌کاربران است.
ذکاوت، رضایی و پیام (۱۳۹۹)	ارتقاء سرزندگی در فضاهای شهری با تأکید بر رویکرد ساماندهی منظر شهری (مطالعه موردی: شهر یاسوج)	بین ارتقاء سرزندگی در فضاهای عمومی شهرهای با رویکرد ساماندهی منظر شهری یک الگوی نسبتاً خطی با شیب مثبت وجود دارد.

مأخذ: نگارنده

## چهار چوب نظری فرهنگ

به تعریف یونسکو، «فرهنگ عنصری است شامل همه کنش‌ها و واکنش‌های فرد و محیط پیرامون او با بعد زیرین زندگی گروه‌های اجتماعی، یعنی مجموعه روش‌ها و شرایط زیست یک

جامعه که بر اساس بنیاد مشترکی از سنت‌ها و دانش‌ها و نیز اشکال مختلف بیان و تحقق فرد در درون جامعه، به هم پیوند خورده است» (ابوالقاسمی ۱۳۸۵، ۵۵) البته مشهورترین تعریف توسط ادوراد تیلور، انسان‌شناس انگلیسی در سال ۱۸۷۰ ارائه شده است: «فرهنگ یا تمدن، در مفهوم گسترده همه نژادها، کلیت پیچیده‌ای است که شامل دانش، عقاید، هنر، اخلاقیات، قوانین، آداب و رسوم، توانایی‌ها و عاداتی که انسان به عنوان عضوی از جامعه کسب می‌کند»<sup>۱</sup> (Sills 1968, 527). در یک تعریف جامع می‌توان گفت «فرهنگ مجموعه‌ایست کمابیش منسجم و ترکیبی از پدیده‌های انتسابی و اکتسابی در زمینه‌های رفتاری و فکری که در مقاطع زمانی و مکانی مشخص در جامعه‌ای خاص مورد پذیرش‌اند و از طریق فرآیند اجتماعی کردن از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابند» (فکوهی ۱۳۹۱، ۱۰۱).

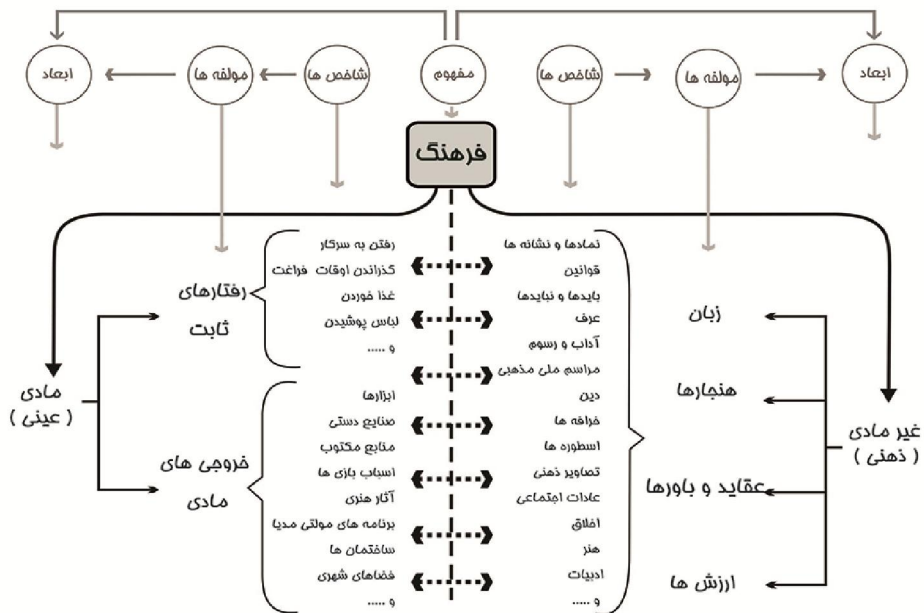
### مؤلفه‌های فرهنگ

در یکی از دسته‌بندی‌ها، عناصر سازنده فرهنگ در سه لایه کلی قرار گرفته است. در لایه مرکزی جهان‌بینی قرار دارد که قلب تپنده فرهنگ تلقی می‌شود. در لایه دوم ارزش‌ها و باورها قرار دارند که شامل زبان، ارتباطات، معماری و مسکن، ابزارها، حقوق و قوانین، غذا، پوشش، و سایر عناصر مادی است. در این تقسیم‌بندی فرهنگ هم مادی و هم معنوی است. هرچه از لایه‌های بیرونی به لایه‌های درونی آن حرکت کنیم فرهنگ، معنوی‌تر و ذهنی‌تر می‌شود و بالعکس (ابوالقاسمی ۱۳۸۵، ۱۵۴). در مرجعی دیگر، عناصر فرهنگ غیرمادی به چهار بخش اصلی زبان، هنر، عقاید و ارزش‌ها، تقسیم شده است (Anderson and Taylor 2008, 59-63): زبان: مجموعه‌ای از علائم و قوانین است که به روشی معنادار در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند تا یک سیستم ارتباطی پیچیده را به وجود آورند. هنر: انتظارات فرهنگی خاص هستند که هر فرد در هر شرایط مشخص چگونه برخورد کند. عقاید: باورها و نظرات مشترکی هستند که به طور جمعی در یک فرهنگ وجود دارند و این عقاید اساس بسیاری از هنر، ارزش‌ها نیز می‌باشند. ارزش‌ها: به طور عمیقی با عقاید در ارتباط هستند و عبارتند از استانداردهای انتزاعی یک گروه یا جامعه که اصولی ایده‌آل را تعریف می‌کنند.

### انواع فرهنگ (مادی و غیرمادی)

فرهنگ عموماً شامل دو گروه از پدیده‌ها است، پدیده‌های رفتاری یا مادی و پدیده‌های فکری یا غیرمادی. فرهنگ مادی به آن گروه از عناصر فرهنگی اطلاق می‌شود که به صورت مستقیم به وسیله یکی از حواس ما قابل تشخیص هستند، یعنی می‌توان آن‌ها را دید، شنید یا

لمس کرد و... بنابراین هر شی در هر فرهنگ یک پدیده فرهنگی خاص است. اشیاء ساده‌ترین اشکال فرهنگ مادی هستند. رفتارهای یک زن روستایی برای پختن نان، یک فروشنده لباس در یک فروشگاه بزرگ یا سخنرانی یک استاد دانشگاه در کلاس درس همگی بخشی از فرهنگ مادی هستند. ولی فرهنگ غیرمادی به پدیده‌هایی اطلاق می‌شود که مستقیماً به وسیله حواس قابل دریافت نیستند. یک شعر باستانی یا ترانه‌ای روستایی، یک اسطوره یا افسانه، باورها و عقاید سیاسی همگی اشکال فرهنگ غیرمادی هستند (فکوهی ۱۳۹۱، ۱۰۷). فرهنگ مادی به پدیده‌هایی گفته می‌شود که با موازین سنجشی قابل اندازه‌گیری هستند، مانند فن‌ها، ابزار تولیدی، شیمیایی و... ولی فرهنگ غیرمادی به موضوعات و مواردی اطلاق می‌شود که با موازین کمی قابل اندازه‌گیری نبوده و به آسانی نمی‌توان با مقایسه آن‌ها را ارزیابی نمود، مانند زبان، باورها، هنرها و... (روح‌الامینی ۱۳۸۳، ۲۰). فرهنگ غیرمادی به موضوعات و مسائلی گفته می‌شود که قابل اندازه‌گیری با موازین کمی نیستند: معتقدات، ضوابط خویشاوندی، زبان، هنر، ادبیات، و رسوم و... که در واقع هویت فرهنگی یک جامعه را تشکیل می‌دهد و بالطبع از دست دادن یا به عاریت گرفتن آن ضایعه‌ای است که قومیت یک گروه اجتماعی را تهدید می‌کند. در صورتی که فرهنگ مادی را می‌توان با گرفتن از فرهنگ‌های دیگر توسعه داد و غنی ساخت. برخی از تقسیم‌بندی‌ها فقط عوامل غیرمادی را «فرهنگ» نامیده و فرهنگ مادی را «تمدن» دانسته‌اند (روح‌الامینی ۱۳۶۸، ۲۴). در نمودار ۱ اجزای فرهنگ و ارتباط آن‌ها تشریح شده است.



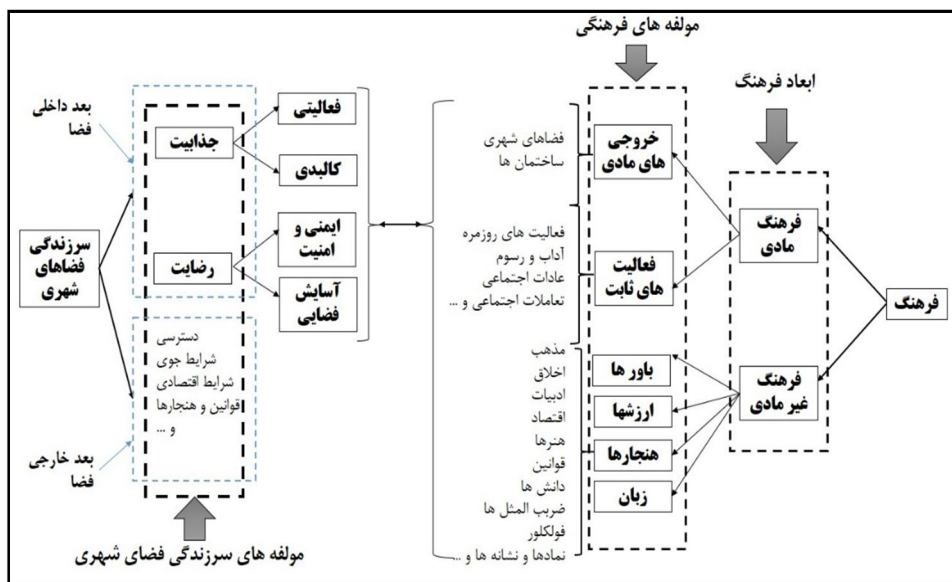
نمودار ۱- اجزای فرهنگ و ارتباط آن‌ها (منبع: خستو و حبیب، ۱۳۹۵)

## سرزندگی فضاهای شهری

**سرزندگی:** آن چه بیش از هر معیاری یک شهر را از سایر شهرها متمایز می‌کند، میزان سرزندگی و حضور شهروندان در فضاهای عمومی آن شهر است. این که یک شهر و فضاهای عمومی و در دسترس آن، چگونه به نیازهای شهروندان خود پاسخ گفته و چه تصویری از خود بر ذهن شهروندانش به یادگار گذاشته است (کربلایی و بهزادپود، ۱۳۹۸، به نقل از بازوبندی و شهبازی، ۱۳۹۳: ۳۶). در لغتنامه شهرسازی رابرت کوان (۱۳۸۷: ۴۴۲) سرزندگی و زیست‌پذیری در کنارهم آمده و این‌گونه معنی شده‌است: «سرزندگی ویژگی مراکز شهرهای کوچک و بزرگ موفق است؛ سرزندگی شهر بازتاب سطح شلوغی آن در اوقات مختلف روز و در بخش‌های مختلف است؛ در صورتی که زیست‌پذیری میزانی برای سنجش ظرفیت آن برای جذب سرمایه برای بقا، بهبود و تطابق نیازهای متغیر است.» گلکار (۱۳۸۶: ۱۳) معتقد است سرزندگی به همراه شانزده کیفیت دیگر یعنی خوانایی، شخصیت بصری، حسن زمان، غنای حسی، رنگ تعلق، آموزش‌پذیری و نفوذپذیری و حرکت، اختلاط کاربری و فرم، همه‌شمول بودن، کیفیت عرصه همگانی، آسایش اقلیمی، ایمنی و امنیت، انعطاف‌پذیری، همسازی با طبیعت، انرژی-کارایی و پاکیزگی محیطی، پدیده‌ای به نام کیفیت طراحی شهری را می‌آفریند. حس کیفیت فضایی، بسیاری از فضاهای شهری پیاده را برای ما مجسم می‌سازد. در بسیاری از میدان‌های معروف ایتالیا، زندگی در فضا، اقلیم و کیفیت معماری، یکدیگر را به منظور خلق یک فضای بسیار مطلوب و فراموش‌نشدنی، یاری می‌کنند. هنگامی که تمامی عوامل دست به دست هم دهند، احساس فیزیکی و روانشناسانه خوب بودن منجر می‌گردد که فضا برای مردم مطبوع، دلپذیر و خوشایند به نظر رسد (Gehl, Jan, 1987: 183). یان گل (۱۳۹۰: ۱۷۳-۱۸۳) معتقد است، هنگامی فعالیت‌های اجتماعی و اختیاری در یک فضا رخ می‌دهند که از همه لحاظ مطلوب باشد و یک فضای شهری که از هر حیث مطلوب است، دارای شرایط زیر می‌باشد: به لحاظ امنیت اجتماعی، به لحاظ محافظت در برابر خودروها، به لحاظ محافظت در برابر ناملايمات جوی، به لحاظ کیفیت زیبایی‌شناسانه.

فضای شهری سرزنده باید به گونه‌ای باشد که مردم بیایند و بمانند. برای فراهم بودن زمینه جذب افراد به فضا و سپس ماندن آن‌ها باید نخست عناصر و عوامل جذب‌کننده موجود باشد سپس رضایت و آسایش نیز فراهم باشد. بنابراین می‌توان دو عامل جذابیت و رضایت را به عنوان ملزومات اولیه سرزندگی یک فضای شهری در نظر گرفت. (خستو، سعیدی، ۱۳۸۹: ۶۵ و

**فرهنگ:** همان‌گونه که در مدل مفهومی پژوهش (نمودار ۲) قابل مشاهده است، مفهوم فرهنگ به دو بخش مادی و غیرمادی تقسیم می‌شود؛ فرهنگ مادی به دو بخش فعالیت‌های ثابت و خروجی‌های مادی تقسیم شده و آن‌ها نیز هرکدام شاخص‌های خاص خود را دارند، به عنوان مثال خروجی‌های مادی، تمام ساخته‌های دست بشر از مقیاس خرد تا کلان را در بر می‌گیرد که از بین این‌ها فقط ساختمان‌ها و فضاهای شهری در حوزه این پژوهش جای می‌گیرند. با توجه به مواردی که در بخش مبانی نظری بررسی شد، فرهنگ غیرمادی دربرگیرنده چهار عنصر قدرتمند باورها، ارزش‌ها، هنجارها و اعتقادات است. از سوی دیگر مفهوم سرزندگی فضای شهری از یک سو مستلزم جذابیت و رضایت افراد نسبت به فضا است و در بعد خارجی شامل مواردی مانند دسترسی، وضعیت اقتصادی، شرایط جوی و... است که در حوزه این پژوهش نمی‌گنجد. در ادامه بررسی می‌شود که با توجه به مدل، مؤلفه‌های فرهنگی به عنوان متغیر مستقل تا چه حد بر سرزندگی فضاهای شهری به عنوان متغیر وابسته تأثیرگذار هستند.



نمودار ۲- مدل مفهومی پژوهش (مأخذ: نگارنده)

## روش تحقیق

در این پژوهش، آمیخته‌ای از روش‌های اسنادی، میدانی و پیمایشی به‌کار گرفته شده است. در ابتدا برای تدوین مدل مفهومی پژوهش از روش اسنادی و در ادامه با مشاهده محدوده‌های مورد مطالعه، از روش میدانی، و با توزیع پرسشنامه از روش پیمایشی استفاده شد.

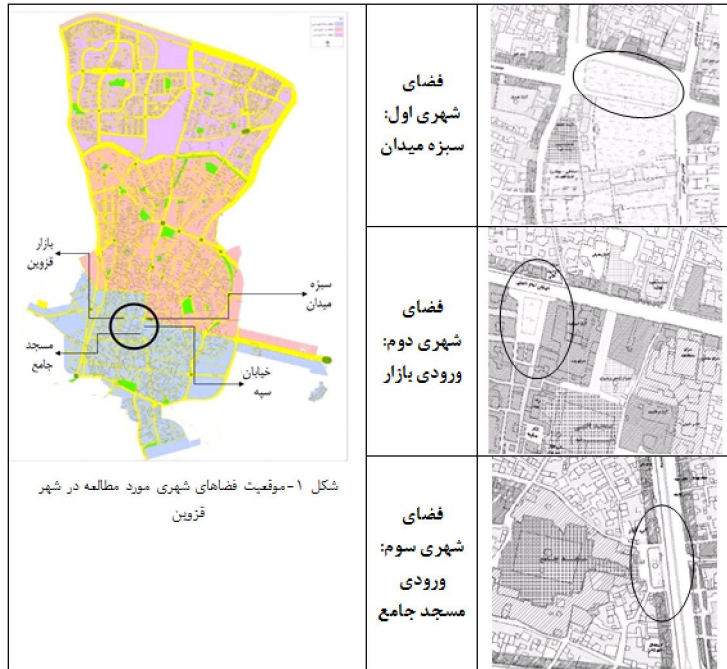
فضاهایی که در این تحقیق انتخاب شده‌اند در شهر به نوعی شاخص به شمار می‌روند به گونه‌ای که در اکثر مواقع از یک سرزندگی نسبی برخوردار هستند. نمونه‌ها از یک محله انتخاب شدند که عوامل اقتصادی به عنوان متغیرهای مداخله‌گر حذف شوند. به این منظور که سن و جنسیت افراد انتخابی نباشد و نمونه مورد بررسی بتواند معرف خوبی برای افراد حاضر در فضا محسوب شود، نمونه‌گیری به شکل تصادفی هدفمند انجام شد به این نحو که در هر ۲۰ قدم به اولین نفری که برخورد می‌شد سؤالات مربوطه از او پرسیده می‌شد. با یک نمونه‌گیری به نسبت گسترده، بر اساس فرمول کوکران با سطح خطای ۵ درصد، تعداد ۳۸۴ پرسشنامه در طول سه هفته در ابتدای فضا زمستان (عصرها) در این سه فضای شهری توزیع گردید تا به بیشترین دقت دست یافته شود. معنی‌داری نتایج به وسیله آزمون تی تک نمونه‌ای مورد بررسی قرار گرفت.

محدوده مورد مطالعه در بافت سنتی و قدیمی شهر قزوین قرار دارد؛ جایی که بازار قزوین، مسجد جامع شهر و سبزه میدان و سایر مکان‌های مهم تاریخی در اطراف آن قرار دارد. بازار قدیم قزوین، به مثابه بخش مهمی از حوزه مورد مطالعه، قدمتی چندساله دارد.

این مجموعه در کنار مراکز فرهنگی و مذهبی و مراکز خدماتی چون آب انبارها و گرمابه‌ها، کلیتی منسجم و همگن را پدید آورده است که شاید در نوع خود، کم نظیر است. توصیفات ناصر خسرو از رونق و گستردگی بازار قزوین دوره سلجوقی و ستایشات حیرت‌آور شاردن از بازار عهد صفوی و فراوانی تیمچه‌ها و سراهای آن مؤید این امر است (صیامی و همکاران، ۱۳۹۵). بازار قزوین قرن‌ها قطب و مرکز اقتصادی شاهان صفویه و مرکز مبادلات و دادوستدهای بسیاری بوده و علاوه بر ایفای نقش واسط و منتقل‌کننده محصولات تمدن‌های مجاور، مرکز ارایه محصولات خرده‌کالایی تولید شده در دوره صفویه نیز بوده است. (عسکری خانقاه، ۱۳۸۰).

قدیمی‌ترین و مهم‌ترین خیابان شهر، عالی‌قاپو یا دولتی (خیابان سپه کنونی) از آثار دوران صفویه است و در زمان شاه تهماسب و شاه عباس بزرگ غالباً از سفرای بیگانه و بزرگان در این میدان پذیرایی می‌شده است (گلریز ۱۳۳۷، ۲۹۱-۲۹۲). سه فضای شهری مورد مطالعه، در منطقه یک شهرداری و در بافت سنتی قرار دارند (شکل ۳). فضای اول، یک میدان عمومی کهن، فضای دوم ورودی بازار سنتی و فضای سوم، ورودی مسجد جامع شهر است.





شکل ۴- مسجد جامع قزوین  
(منبع: نگارنده)



شکل ۳- بازار قزوین  
(منبع: نگارنده)



شکل ۲- سبزه میدان قزوین  
(منبع: سازمان نوسازی شهرداری قزوین)

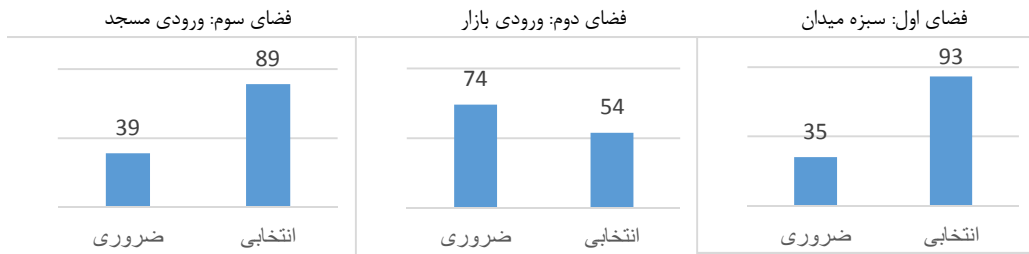
## یافته‌ها و بحث

همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، در این سه فضای شهری تعداد ۳۸۴ پرسشنامه (در هر کدام از سه فضا ۱۲۸ برگه پرسشنامه) توزیع شد. برای پاسخ به پرسش اول تحقیق «کدامیک از این سه فضا از سرزندگی بیشتری برخوردار است و چرا؟» موارد ذیل با توجه به شروط فضای شهری سرزنده آورده شده است؛ شروط سرزندگی عبارت است از: ۱- تنوع افراد از نظر سن، ۲- تنوع افراد از نظر جنسیت، ۳ حضور افراد در تمام اوقات روز، ۴- تمرکز افراد بیشتر بر فعالیت‌های انتخابی. تنوع سنی و جنسی در شکل و همچنین نوع فعالیت افراد در این سه فضا در شکل ۷ نشان داده شده است.



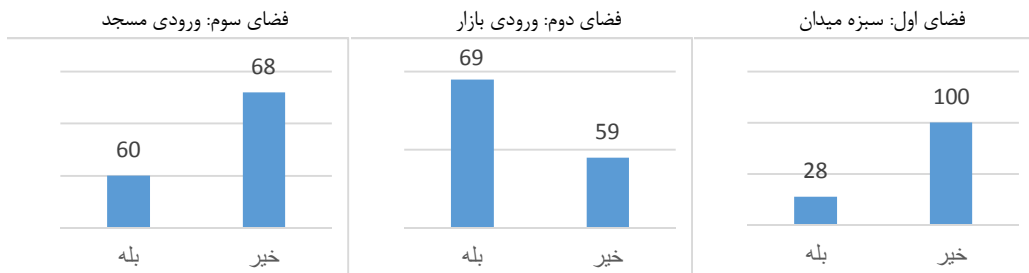
نمودار ۳- تنوع سنی و جنسی در سه فضای شهری مورد مطالعه (منبع: یافته‌های پژوهش)

برای کدام نوع فعالیت به این فضا می‌آیید؟



نمودار ۴- نوع فعالیت افراد در سه فضای شهری مورد مطالعه (منبع: یافته‌های پژوهش)

آیا فقط در زمان‌های خاصی از روز به این فضا می‌آیید؟



نمودار ۵- زمان حضور در سه فضای شهری مورد مطالعه (منبع: یافته‌های پژوهش)

جدول ۲- امتیازدهی به سه فضای شهری برای سنجش میزان سرزندگی (منبع: یافته‌های پژوهش)

فضای شهری	امتیاز از نظر تنوع سنی افراد	امتیاز از نظر تنوع جنسیتی افراد	امتیاز از نظر حضور افراد در زمان‌های مختلف	امتیاز از نظر نوع فعالیت افراد	مجموع امتیاز سرزندگی
فضای اول	۳	۲	۳	۳	۱۱
فضای دوم	۲	۳	۲	۱	۹
فضای سوم	۱	۱	۱	۲	۵

در مرحله بعد با توجه به ویژگی‌های یک فضای شهری سرزنده، با توجه به شکل‌های ۷، ۸ و ۹، سه فضای مورد نظر در جدول ۲ رتبه‌بندی شدند. رتبه‌بندی بدین شکل انجام شد که در هر ویژگی، به رتبه اول امتیاز ۳، رتبه دوم امتیاز ۲ و به رتبه سوم امتیاز ۱ داده و در نهایت امتیازهای هرکدام جمع زده شد. به عنوان مثال از نظر تنوع گروه‌های سنی نموداری که کمترین انحنای و شیب را دارد نشان‌دهنده تنوع متناسب گروه‌های سنی است بنابراین بیشترین امتیاز (۳) را می‌گیرد و بالعکس. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، فضای شهری اول بیشترین امتیاز را کسب کرده و در نهایت رتبه اول را کسب کرده سپس فضای شهری دوم و سوم به ترتیب رتبه‌های دوم و سوم سرزندگی را کسب کردند. فضای شهری سوم به علت کمبود تعداد افراد جوان نسبت به سایر گروه‌های سنی و همچنین به لحاظ عدم امکان حضور افراد در تمامی ساعات روز (به علت عدم وجود امنیت کافی به نقل از پرسش‌شوندگان) و همچنین تعداد بیشتر مردان نسبت به زنان، رتبه آخر را کسب کرد. در مورد علل اصلی حضور در فضا، در هر سه نمونه سؤالات باز از افراد پرسیده شد. برخی از مهم‌ترین عواملی که مطرح شد عبارتند از: دیدار دوستان، انجام فعالیت‌های گروهی مانند بازی، فضای مناسب نشستن برای وقت‌گذرانی و... همچنین زنان اشاره داشتند که وقت‌گذرانی و حضور تنها برای آن‌ها، امری منفی تلقی می‌شود، بنابراین سعی می‌کنند همراه با خانواده به فضای شهری بیایند.

برای پاسخ به پرسش دوم تحقیق: «کدام مؤلفه فرهنگی بیشترین و کدام کمترین تأثیر را بر سرزندگی فضای شهری دارند؟» سؤالاتی از افراد پرسیده شد که در جدول ۳ آورده شده است. (سؤالات به زبان ساده و به طور غیرمستقیم مطرح شد)

جدول ۳- تأثیر عوامل فرهنگ مادی و غیرمادی بر حضور افراد در سه فضای شهری مورد مطالعه

فضای شهری	فرهنگ	مؤلفه‌های فرهنگی	کم	متوسط	زیاد
فضای شهری اول:	فرهنگ مادی	طراحی این فضا (لذت تماشای فضا)	۲	۱۰۱	۲۵
		ساختمان‌های اطراف این فضا (مانند مسجد، بازار سنتی، مراکز خرید و ...)	۶	۹۵	۲۷
		فعالیت‌های روزمره (فعالیت‌های ضروری مثل خرید، کار و...)	۱۴	۸۶	۲۸
		انجام آداب و رسوم (سنت‌ها و مراسم ملی و مذهبی)	۱۹	۷۸	۳۱

۱۰۷	۱۵	۶	عادات اجتماعی (مثل گذران وقت، تماشای رفت و آمد دیگران و ...)	فرهنگ غیرمادی	سبزه میدان
۹۸	۳۰	۰	تعامل اجتماعی (برقراری ارتباط با شهروندان)		
۲۰	۹۹	۹	مذهب و اعتقادات (باورهای دینی)	فرهنگ غیرمادی	فضای شهری دوم: ورودی بازار
۱۵	۹۷	۱۶	قوانین و هنجارها (مثل قوانین پوشش، قوانین رفتاری، قوانین رانندگی و...)		
۵	۷۳	۵۰	ارزش‌های فرهنگی (مثل احترام به بزرگترها و خانم‌ها، کمک به هم نوع و...)		
۲	۱۱	۱۱۵	هم زبانی در فضای شهری		
۵۵	۸۳	۲۰	طراحی این فضا (لذت تماشای فضا)		
۸۳	۲۳	۲۲	ساختمان‌های اطراف این فضا (مانند مسجد، بازار سنتی، مراکز خرید و ...)	فرهنگ مادی	فضای شهری سوم: مسجد جامع
۱۱۳	۱۵	۰	فعالیت‌های روزمره (فعالیت‌های ضروری مثل خرید، کار و...)		
۱۰	۹۶	۲۲	انجام آداب و رسوم (سنت‌ها و مراسم ملی و مذهبی)	فرهنگ غیرمادی	فضای شهری سوم: مسجد جامع
۴	۹۳	۳۱	عادات اجتماعی (مثل گذران وقت، تماشای رفت و آمد دیگران و ...)		
۹۹	۲۱	۸	تعامل اجتماعی (برقراری ارتباط با شهروندان)		
۴۹	۶۴	۱۵	مذهب و اعتقادات (باورهای دینی)		
۶۸	۲۴	۳۶	قوانین و هنجارها (مثل قوانین پوشش، قوانین رفتاری، قوانین رانندگی و...)		
۲۴	۶۵	۳۹	ارزش‌های فرهنگی (مثل احترام به بزرگترها و خانم‌ها، کمک به هم نوع و...)	فرهنگ غیرمادی	فضای شهری سوم: مسجد جامع
۱۱	۵۹	۵۸	هم زبانی در فضای شهری		
۱۰	۶۰	۵۸	طراحی این فضا (لذت تماشای فضا)	فرهنگ مادی	فضای شهری سوم: مسجد جامع
۵۷	۵۵	۱۶	ساختمان‌های اطراف این فضا (مانند مسجد، بازار سنتی، مراکز خرید و ...)		
۳۰	۵۹	۳۹	فعالیت‌های روزمره (فعالیت‌های ضروری مثل خرید، کار و...)	فرهنگ غیرمادی	فضای شهری سوم: مسجد جامع
۲۸	۸۳	۱۷	انجام آداب و رسوم (سنت‌ها و مراسم ملی و مذهبی)		
۲۷	۹۶	۵	عادات اجتماعی (مثل گذران وقت، تماشای رفت و آمد دیگران و ...)		
۱۰۱	۲۱	۶	تعامل اجتماعی (برقراری ارتباط با شهروندان)		
۱۰۸	۱۶	۴	مذهب و اعتقادات (باورهای دینی)		
۴۲	۵۳	۳۳	قوانین و هنجارها (مثل قوانین پوشش، قوانین رفتاری، قوانین رانندگی و...)	فرهنگ غیرمادی	فضای شهری سوم: مسجد جامع
۲۹	۷۴	۲۵	ارزش‌های فرهنگی (مثل احترام به بزرگترها و خانم‌ها، کمک به هم نوع و...)		
۱۴	۱۴	۱۰۰	هم‌زبانی در فضای شهری		

(منبع: یافته‌های پژوهش)

### اثبات فرضیه تحقیق

در این بخش، فرضیه تحقیق (بین مؤلفه‌های فرهنگی و حضور افراد در فضا رابطه معنی‌دار وجود دارد)، بررسی و اثبات می‌شود: با گرفتن میانگین نمرات مؤلفه‌های فرهنگی در سه فضای شهری مورد بررسی، میزان تأثیر هر کدام از آن‌ها بر سرزندگی مشخص گردید که در قالب جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴- میانگین تأثیر عوامل فرهنگ مادی و غیرمادی بر حضور افراد در سه فضای شهری مورد

#### مطالعه

فرهنگ	مؤلفه‌های فرهنگی	کم	متوسط	زیاد
فرهنگ مادی	طراحی این فضا (لذت تماشای فضا)	۲۰/۸۳	۶۳/۵۴	۲۳/۴۴
	ساختمان‌های اطراف این فضا (مانند مسجد، بازار سنتی، مراکز خرید و ...)	۱۱/۴۶	۴۵/۰۵	۴۳/۴۹
	فعالیت‌های روزمره (فعالیت‌های ضروری مثل خرید، کار و...)	۱۳/۸۰	۴۱/۶۷	۴۴/۵۳

۱۷/۹۷	۶۶/۹۳	۱۵/۱۰	انجام آداب و رسوم (سنت‌ها و مراسم ملی و مذهبی)	فرهنگ غیرمادی
۳۵/۹۴	۵۳/۱۳	۱۰/۹۴	عادات اجتماعی (مثل گذران وقت، تماشای رفت و آمد دیگران و ...)	
۷۷/۶۰	۱۸/۷۵	۳/۶۵	تعامل اجتماعی (برقراری ارتباط با شهروندان)	
۴۶/۰۹	۴۶/۶۱	۷/۲۹	مذهب و اعتقادات (باورهای دینی)	
۳۲/۵۵	۴۵/۳۱	۲۲/۱۴	قوانین و هنجارها (مثل قوانین پوشش، قوانین رفتاری، قوانین رانندگی و...)	
۱۵/۱۰	۵۵/۲۱	۲۹/۶۹	ارزش‌های فرهنگی (احترام به بزرگترها و خانم‌ها، کمک به هم نوع و...)	
۷/۰۳	۲/۱۸۸	۷۱/۰۹	هم‌زمانی در فضای شهری	

(منبع: یافته‌های پژوهش)

به منظور سنجش میزان معنی‌داری نتایج (ارتباط مؤلفه‌ها)، آزمون تی تک نمونه‌ای انجام شد که نتایج آن به شرح ذیل است:

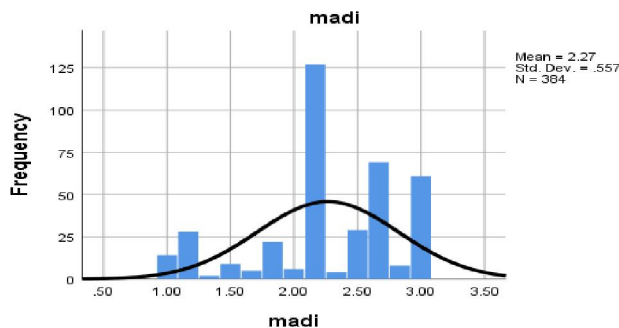
جدول ۵- آماره تی تک نمونه‌ای تأثیر فرهنگ مادی بر حضور در فضای شهری

شاخص آماری مدل	تعداد نمونه	میانگین	انحراف معیار	میانگین خطای استاندارد
فرهنگ مادی	۳۸۴	۲/۲۶۶۱	۰/۵۵۷۴۴	۰/۰۲۸۴۵

جدول ۶- آزمون تی تک نمونه‌ای

Test Value = ۲					شاخص آماری مدل
فاصله اطمینان ۹۵ درصد		تفاوت میانگین	معنی‌داری	درجه آزادی	
کران بالا	کران پایین				۲/۲۶۶۰۶
۲/۳۲۲۰	۲/۲۱۰۱				
					فرهنگ مادی

براساس جدول فوق با توجه به میانگین آماره تک نمونه‌ای برای متغیر عوامل مؤلفه‌های فرهنگی مادی بر حضور در فضای شهری ۲/۲۶ به دست آمده است. با توجه به این که پرسشنامه مورد استفاده براساس طیف لیکرت مورد پاسخگویی قرار گرفته، میانگین پاسخگویی به هر سؤال، ۲ می‌باشد. در نتیجه از آنجا که میانگین آماره تک نمونه‌ای مؤلفه‌های فرهنگ مادی بر حضور در فضای شهری بیشتر از ۲ می‌باشد، می‌توان گفت این متغیر بیش از سطح متوسط مورد توجه پاسخگویان بوده است.



نمودار ۶- نتیجه آزمون تی تک نمونه‌ای برای ارتباط فرهنگ مادی با سرزندگی

جدول ۷- آماره تی تک نمونه‌ای تأثیر فرهنگ غیرمادی بر حضور در فضای شهری

شاخص آماری مدل	تعداد نمونه	میانگین	انحراف معیار	میانگین خطای استاندارد
فرهنگ غیرمادی	۳۸۴	۱/۹۲۶۴	۰/۵۸۱۷۳	۰/۰۲۹۶۹

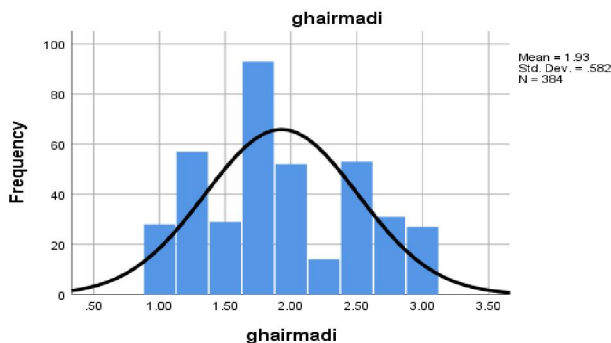
مأخذ: نگارنده

جدول ۸-آزمون تی تک نمونه‌ای

Test Value = ۲					T	درجه آزادی	معنی داری	تفاوت میانگین	فاصله اطمینان ۹۵ درصد		شاخص آماری مدل
کران بالا		کران پایین									
۱/۹۸۴۸		۱/۸۶۸۱		۶۴/۸۹۳	۳۸۳	۰/۰۰۰	۱/۹۲۶۴۳			فرهنگ غیرمادی	

مأخذ: نگارنده

در این مورد نیز با توجه به این که پرسشنامه براساس طیف لیکرت مورد پاسخگویی قرار گرفته، میانگین پاسخگویی به هر سؤال ۲ می‌باشد. در نتیجه از آنجا که میانگین آماره تک نمونه‌ای مؤلفه‌های فرهنگ غیرمادی بر حضور در فضای شهری کمتر از ۲ است، می‌توان گفت این متغیر بیش از حد متوسط مورد توجه پاسخگویان بوده است.



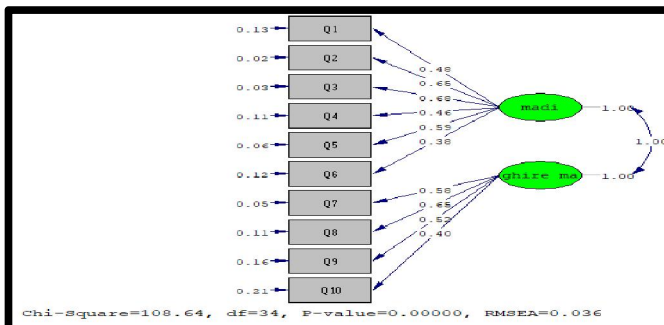
نمودار ۷- نتیجه آزمون تی تک نمونه‌ای برای ارتباط فرهنگ غیرمادی با سرزندگی مأخذ: نگارنده

در نتیجه موارد فوق می‌توان گفت فرضیه تحقیق، اثبات می‌شود. در رابطه با میزان تأثیر هرکدام از مؤلفه‌های فرهنگ مادی و غیرمادی بر سرزندگی فضاهای شهری موارد مربوطه در جدول ۹ نشان داده شده است. جدول نشان می‌دهد مهم‌ترین عامل از فرهنگ مادی «تعامل اجتماعی» و کم‌اهمیت‌ترین عامل «طراحی فضا» بوده است و از بین عوامل غیرمادی «مذهب و اعتقادات» مهم‌ترین و «هم‌زمانی» کم‌اهمیت‌ترین عامل بوده است.

جدول ۹ - آماره‌های توصیفی سؤالات متغیرهای پژوهش

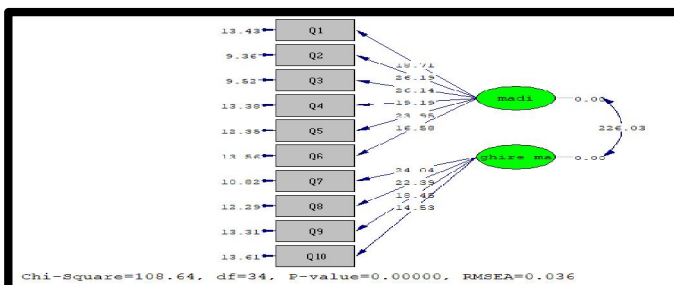
شخص آماری مدل	تعداد نمونه	میانگین	انحراف معیار	میانگین خطای استاندارد	سطح معنی‌داری
طراحی این فضا (لذت تماشای فضا)	۳۸۴	۱/۹۵۰۵	۰/۶۰۴۷۲	۰/۰۳۰۸۶	۰/۰۰۰۰
ساختمان‌های اطراف این فضا (مانند مسجد، مراکز خرید)	۳۸۴	۲/۳۲۰۳	۰/۶۶۹۳۶	۰/۰۳۴۱۶	۰/۰۰۰۰
فعالیت‌های روزمره (فعالیت‌های ضروری مثل خرید، کار و...)	۳۸۴	۲/۳۰۷۳	۰/۷۰۰۱۳	۰/۰۳۵۷۳	۰/۰۰۰۰
سنت‌ها و مراسم ملی و مذهبی	۳۸۴	۲/۰۲۸۶	۰/۵۷۵۱۳	۰/۰۲۹۳۵	۰/۰۰۰۰
عادات اجتماعی (مثل گذران وقت، تماشای رفت و آمد دیگران و...)	۳۸۴	۲/۲۵۰۰	۰/۶۳۸۲۱	۰/۰۳۲۵۷	۰/۰۰۰۰
تعامل اجتماعی (برقراری ارتباط با شهروندان)	۳۸۴	۲/۷۳۹۶	۰/۵۱۵۹۶	۰/۰۲۶۳۳	۰/۰۰۰۰
مذهب و اعتقادات (باورهای دینی)	۳۸۴	۲/۳۸۸۰	۰/۶۱۹۹۲	۰/۰۳۱۶۳	۰/۰۰۰۰
قوانین و هنجارها (مثل قوانین پوشش، رفتاری، قوانین رانندگی و...)	۳۸۴	۲/۱۰۴۲	۰/۷۳۳۰۹	۰/۰۳۷۴۱	۰/۰۰۰۰
ارزش‌های فرهنگی (مثل احترام به بزرگترها، کمک به هم نوع و...)	۳۸۴	۱/۸۵۴۲	۰/۶۵۴۰۴	۰/۰۳۳۳۸	۰/۰۰۰۰
هم زبانی در فضای شهری	۳۸۴	۱/۳۵۹۴	۰/۶۰۹۷۷	۰/۰۳۱۱۲	۰/۰۰۰۰

مأخذ: نگارنده



شکل ۴- نتایج تحلیل عاملی تأییدی مؤلفه‌های فرهنگی مؤثر بر حضور در فضای شهری بر اساس ضرایب

استاندارد شده مأخذ: نگارنده



شکل ۵- نتایج تحلیل عاملی تأییدی مؤلفه‌های فرهنگی مؤثر بر حضور در فضای شهری بر اساس ضرایب

معنا داری مأخذ: نگارنده

الگویابی معادلات ساختاری (SEM): مدل پیشنهادی پژوهش حاضر به طور کلی متشکل از دو متغیر مستقل «فرهنگ مادی» و «فرهنگ غیرمادی» است. پیش از بررسی ضرایب ساختاری، برازندگی الگوی اصلی مورد بررسی قرار گرفت. که نتایج به شرح زیر بود:

جدول ۱۰- شاخص‌های نیکویی برازش مدل

شاخص‌های برازندگی الگو	$\frac{\chi^2}{d_f}$	GFI	IFI	TLI	CFI	NFI	RMSEA
تخمین مدل	۳/۱۹	۰/۹۱	۰/۹۶	۰/۹۰۶	۰/۹۳۱	۰/۹۲۱	۰/۰۳۶
میزان قابل قبول	کمتر از ۴	نزدیک به یک برازش کامل					کمتر از ۰/۰۸

مأخذ: نگارنده

## نتیجه‌گیری

همان‌طور که گفته شد، سرزندگی فضای شهری به عنوان یک عامل مهم و تعیین کننده برای شکوفایی اجتماعی یک جامعه از دو بعد تأثیر می‌پذیرد؛ در بعد خارجی تحت تأثیر عواملی مانند شرایط اقتصادی، سیاسی، اقلیمی و مکانی فضای شهری است و در بعد داخلی عوامل فعالیتی، کالبدی و فضایی که بایستی به گونه‌ای برنامه‌ریزی شوند که جذابیت و آسایش و رضایت در فضای شهری تأمین شود.

در تحقیقات پیشین عمدتاً به تأثیر عوامل کالبدی-فضایی بر سرزندگی فضای شهری پرداخته شده است؛ این در حالی است که علاوه بر عناصر کالبدی-فضایی، عوامل مهم فرهنگی نیز بر سرزندگی فضا تأثیر دارند. برخی از آن‌ها عینی و قابل رویت (مادی) هستند مانند آداب و رسوم، عادات اجتماعی، ارتباطات، الگوهای رفتاری شاخص و برخی دیگر درونی و غیرقابل رویت (غیرمادی)؛ نظیر باورها، ارزش‌ها، هنجارها و زبان فرهنگ.

در این پژوهش، با طرح سؤالاتی غیرمستقیم، ارتباط مؤلفه‌های فرهنگ مادی و غیرمادی با میزان سرزندگی سه فضای شهری بررسی شد. این سه فضا به لحاظ مکانی در نزدیکی یکدیگر و تقریباً با میزان دسترسی برابر هستند. فضای اول به صورت یک میدان عمومی، فضای دوم به شکل ورودی برای یک مکان تجاری (بازار سنتی) و فضای سوم ورودی یک مکان مذهبی (مسجد جامع) است. بنابراین طیف مراجعه‌کنندگان آن‌ها کمی متفاوت است. بر اساس یافته‌های این تحقیق، فضای شهری اول (سبزه‌میدان شهر قزوین) با داشتن امتیازهای بیشتر مانند حضور افراد با تنوع سنی و جنسی در تمام اوقات روز به منظور انجام فعالیت‌های تفریحی و جمعی، سرزنده‌ترین فضای شهری می‌باشد؛ رتبه دوم مربوط به فضای ورودی بازار و رتبه سوم متعلق به



فضای ورودی مسجد است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت فضاهایی که مراجعات موضوعی کمتری دارند (مانند یک میدان عمومی) نسبت به فضاهای شهر مجاور کاربری‌های خاص مثل بازار یا مسجد، از سرزندگی بالاتری برخوردار هستند چراکه نسبت سنی و جنسی مراجعه‌کننده به آن‌ها متعادل‌تر و به طبع تعداد افراد حاضر در فضا نیز بیشتر است. البته فضاهای مجاور این کاربری‌ها در مواقع خاصی از سال به عنوان مثال ایام قبل عید نوروز و یا روزهای انجام مناسک مذهبی، بسیار مملو از جمعیت هستند با این حال، به طور کلی سرزنده‌تر محسوب نمی‌شوند.

با تحلیل یافته‌های حاصل از پیمایش در این سه فضای شهری، این نتیجه حاصل شد که در رابطه با تأثیر بر سرزندگی، مهم‌ترین عامل در فرهنگ مادی، «تعامل اجتماعی» و کم‌اهمیت‌ترین، «طراحی فضا» است و از بین عوامل فرهنگ غیرمادی «مذهب و اعتقادات» مهم‌ترین و «هم‌زبانی» کم‌اهمیت‌ترین به دست آمد. این‌ها نشان می‌دهد که تعامل اجتماعی فارغ از هرگونه اشتراکات زبانی تا چه حد در سرزندگی یک فضای شهری تأثیرگذار است. از سوی دیگر نشان می‌دهد که بر خلاف تصور بسیاری از افراد، ارتباطات و تعاملات موجود در یک فضای شهری بیشتر از طرح و شکل آن فضا بر سرزندگی تأثیرگذار است.

**منابع و مآخذ:**

- (۱) آشوری، د. ۱۳۸۰. تعریف‌ها و مفهومی فرهنگ. تهران: نشر آگاه.
- (۲) ابوالقاسمی، م. ۱۳۸۵. شناخت فرهنگ. تهران: انتشارات عرش پژوه.
- (۳) اخوان، ه.، صالحی، ا.، طغیانی، ش. ۱۳۹۷. ارزیابی تأثیر عوامل محیطی - کالبدی بر سرزندگی و کیفیت خیابانهای شهری: خیابان ناد و انقلاب شهر ساری، نشریه جغرافیا و پایداری محیط، ۸ (۲۷): ۳۰-۱۵
- (۴) بازبندی، ف.، شهبازی، م. ۱۳۹۳. نقش سرزندگی در ایجاد تصویر ذهنی شهروندان و میزان بهره‌گیری از فضای شهری، دوفصلنامه پژوهش‌های منظر شهر، ۱(۱): ۳۳-۴۳
- (۵) حبیبی، د. ۱۳۹۲. بررسی عوامل مؤثر بر افول حس سرزندگی و زیست‌پذیری در بافت‌های تاریخی و فرسوده: محله سنگ سیاه شیراز، مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۱۴: ۷۵-۸۰
- (۶) حبیبی، ک.، نسترن، م.، محمدی، م. ۱۳۹۵. سنجش و ارزیابی سرزندگی فضاهای عمومی شهری و نقش آن در ارتقای کیفیت زندگی جوانان: خیابان نظر شرقی اصفهان، نشریه جغرافیا و آمایش شهری، ۱۹: ۱۶۱-۱۸۰.
- (۷) خستو، م.، حبیب، ف. ۱۳۹۵. رویکردی تحلیلی به تأثیر کالبد شهر بر فرهنگ با تأکید بر بافت شهر، نشریه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۷ (۲۶): ۳۱-۴۲.
- (۸) خستو، م.، سعیدی رضوانی، ن. ۱۳۸۹. عوامل مؤثر بر سرزندگی فضاهای شهری: خلق یک فضای شهری سرزنده، نشریه هویت شهر، ۴ (۶): ۶۳-۷۴.
- (۹) ذکاوت، س.، رضایی، م.، پیام، ح. ۱۳۹۹. ارتقاء سرزندگی در فضاهای شهری با تأکید بر رویکرد ساماندهی منظر شهری (مطالعه موردی: شهر یاسوج)، فصلنامه آمایش محیط، ۱۳ (۵۰): ۱۹۷-۲۱۵.
- (۱۰) روح‌الامینی، م. ۱۳۶۸. زمینه فرهنگ شناسی: تالیفی در انسان شناسی و فرهنگ. تهران: عطار.
- (۱۱) روح‌الامینی، م. ۱۳۸۳. در گستره فرهنگ. نگرشی مردم‌شناختی. تهران: انتشارات اطلاعات.
- (۱۲) صیامی، ق.، اختری تکل، ا.، خانی‌زاده، م. ۱۳۹۵. سنجش معیارهای سرزندگی اقتصادی بازارهای تاریخی ایران با رویکرد بازآفرینی؛ (مطالعه موردی: بازار تاریخی قزوین)، فصلنامه آمایش محیط، ۹ (۳۴): ۱-۲۶.
- (۱۳) طاهر طلوع دل، م.، سادات، س.ا. ۱۳۹۶. مؤلفه‌های عامل ایجاد سرزندگی ساکنین فضاهای زیستی، نشریه معماری و شهر پایدار، ۵ (۱): ۴۷-۶۰.

- (۱۴) عسکری خانقاه، ا. ۱۳۸۰. تأملی در مردم شناسی فرهنگی بازار و مسکن شهر قزوین (با توجه به مرمت بناهای قدیمی)، نشریه نامه علوم اجتماعی. ۱۷: ۱۵۹-۱۹۲.
- (۱۵) علیمردانی، م.، شرقی، ع.، مهندشین، ن. ۱۳۹۵. بررسی نقش امنیت در سرزندگی و حیات شبانه فضاهای عمومی شهری، فصل‌نامه هنرهای کاربردی، ۱۸: ۱۵-۲۶.
- (۱۶) فارسی، ط.، ناسخیان، ش. و شاهبوندی، ا. ۱۳۹۸. ارزیابی پس از بهره‌برداری یک پاتوق شهری جهت بررسی اثرات آن بر ارتقای سرزندگی، نمونه موردی: پاتوق شهری در معبر تاریخی طبیعی شهر اصفهان، نشریه آمایش محیط، ۴۷: ۱۴۵-۱۶۲.
- (۱۷) فکوهی، ن.، ۱۳۹۱. مبانی انسان شناسی. تهران: نشر نی.
- (۱۸) کربلایی حسینی غیاثوند، ا. و بهزادپور، م.، ۱۳۹۸، ارائه مدل ساختاری به‌منظور بررسی روابط بین مؤلفه‌های مؤثر بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در خیابان‌های پیاده مدار (مطالعه موردی: خیابان خیام و خیابان سپه قزوین)، فصل‌نامه آمایش محیط، ۱۲ (۴۴): ۱۲۵-۱۴۵.
- (۱۹) گل، ی.، ۱۳۹۰. زندگی در فضای میان ساختمان‌ها. ترجمه شیما شصتی. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- (۲۰) گلریز، م.، ۱۳۳۶. مینودر یا باب الجنه قزوین. تهران: انتشارات طه. جلد اول.
- (۲۱) گلکار، ک.، مفهوم کیفیت سرزندگی در طراحی شهری، مجله صفا، ۱۶ (۴۴): ۶۶-۷۵.
- (۲۲) مردانی، س. ف.، ۱۳۹۷. سرزندگی فضای شهری مدیون کارکرد تجاری، فصل‌نامه هنر و تمدن شرق، ۲۰: ۱۳-۲۰.
- (۲۳) هدایت نژاد کاشی، س. م.، هادیانی، ز.، حاجی نژاد، ع.، عسگری، ع.، ۱۳۹۸. سرزندگی شهری مفهومی میان رشته‌ای (واکاوی اصول، ابعاد و شاخص‌ها). نشریه مطالعات ساختار و کارکرد شهری، ۶ (۲۰): ۷۵-۱۰۷.
- 24) Anderson, M. L. & Taylor, H. F. 2008. *Sociology: Understanding a Diverse Society*. U.S.A: Thomson, 4<sup>th</sup> Edition.
- 25) Cown (Cowan), R. 2005. "the dictionary of urbanism", street wise press
- 26) Gehl, J. 1987. *Life between Buildings*. Van Nostrand Reinhold press.
- 27) Hedayat, S. M., Hadyani, Z., hajinezhad, A., & Asgari, A. 2019. Interdisciplinary Conceptual Urban Vitality (Examining Principles, Dimensions and Indicators). *Urban Structure and Function Studies*, 6(20), 75- doi: 103. 10.22080/shahr.2019.15754.1723.
- 28) Holuj, D. 2018. *Public Spaces and Cultural Heritage in Community Projects, the Example of Warsaw*. *European Spatial Research and Policy*, 24(2): 127- 144. doi: 10.1515/esrp-2017-0013

- 
- 29) Miles, M. 2007. *Cities and Cultures*. Routledge. New York.
  - 30) Paul, A., Sen, J. 2018. Livability assessment within a metropolis based on the impact of integrated urban geographic factors (IUGFs) on clustering urban centers of Kolkata. *Cities*. 74: 142-150.
  - 31) Silaci, I. & Vitova, L. 2017. Public Spaces as the Reflection of Society and its Culture. *IOP Conf. Series: Materials Science and Engineering* 245 (2017) 042009 doi:10.1088/1757-899X/245/4/042009
  - 32) Sills, D. L. 1968. "International Encyclopedia of SOCIAL SCIENCES". the Macmillan Company
  - 33) Turley, A.C. 2005. *Urban Culture exploring cities & culture*. University of New Orleans: Pearson Prentice Hal Publication.
  - 34) [www.behsazi.qazvin.irsquare- 19/01/2020](http://www.behsazi.qazvin.irsquare-19/01/2020).